

# درس اول

## تماشاخانه

پرگرقته از: کتاب آفریده های ساکت خدا، نائسی سویلند  
ترجمه: حسین سیدی

نوع نثر: ترجمه (ساده)

### معنی واژه ها به ترتیب سطرها

نگاشته: نوشته

تماشاخانه: جایی که در آن، چیزی به نمایش، گذاشته شود.

موضوع: مطلب، چیزی که درباره آن گفت و گو می کنند.

سرشار: لبریز، پر، لبالب

آفرینش: خلقت، به وجود آوردن

شگفتی ها: عجایب، پدیده های عجیب

شکننده: ظرف و نازک

پدیده: چیز تازه به وجود آمده، نوظهور

سنگلاخ: زمینی که در آن، سنگ فراوان باشد.

لطیف: زیبا، نرم

سردر می آورند: می رویند و رشد می کنند.

عجبیب: شگفت آور، غریب

هیس: ساکت!، این واژه، یک شبه جمله است و در شمارش

تماشاگه: محل تماسا و گردش

جمله، یک جمله به حساب می آید.

درنگ: توقف، سکون

توصیف: وصف کردن

مقایسه کنیم: بسنجدیم

مخملی: از جنس محمل، نرم و ملایم

سر به فلک کشیده: بسیار، بلند، مرتفع

طالاب: جایی که آب در آن جمع شود و بماند، آبگیر، برکه

تأمل: اندیشه، درنگ

می تند (تار می تند): می بافند

عالمان: دانایان

سرزده: بی خبر

کردار: عمل، رفتار

گوارا: مطبوع، دلچسب

نویسنده در این درس یاد آور می شود که: تمام پدیده ها و آفریده های خداوند دارای هدف، نظم و زیبایی خاصی هستند. خداوند برای خلق هر یک از این پدیده ها، نظم و ترتیب چشمگیری را به کار برد است. تمام این موجودات، در حقیقت، ستایشگر خداوند هستند و خدا را می پرستند. انسان خردمند و خداشناس، با دیدن این همه پدیده ها به عظمت خدا، پی می برد.

## معنی بعضی از جمله‌های دشوار

هر کدام از این پدیده‌ها، تماشاگهی برای دیدن زیبایی‌های آفرینش و ایستگاههایی برای اندیشیدن هستند.

**معنی:** هر یک از این چیزهای تازه به وجود آمده، محلی برای تماشا کردن و دیدن زیبایی‌های آفرینش خداوند و جایی برای فکر کردن و اندیشه کردن درباره آن‌ها هستند.

عالی تماشاخانه‌ی شگفتی‌های آفرینش است. یعنی به هر طرف که نگاه می‌کنیم، آفریده‌های زیبای خداوند را می‌بینیم. این جهان، دفتری است که خدای مهربان، به پاکی و زیبایی در آن نگاشته و می‌نگارد.

**معنی:** دنیا جایی است که در آن، پدیده‌های عجیب و شگفت‌انگیز آفرینش به نمایش گذاشته می‌شود. یعنی به هر سمت، نگاه می‌کنیم، آفریده‌های زیبای خدا را می‌بینیم. این جهان مانند کتابی (دفتری) است که خداوند مهربان در آن، پاکی‌ها و زیبایی‌ها را نوشته است.

**آرایه‌ی ادبی:** این جهان به دفتر مانند شده ← تشبیه

منظور از «پاکی» و «زیبایی»، کارهای شایسته و انسانی و پدیده‌های زیبای این جهان است.

همین علف‌های نازک و لطیف، از میان سنگلاخ، سردر می‌آورند.

**معنی:** همین علف‌های نرم و ظریف، از میان زمین‌هایی که پر از سنگ است، رشد می‌کنند و می‌رویند.

**آرایه‌های ادبی:** سر در آوردن علف ← جان بخشی / سر در می‌آورند ← کنایه از می‌رویند.

آسمان، آبی آبی است و یک تگه ابر ساکت در آن شنا می‌کند.

**معنی:** آسمان صاف صاف بود و فقط یک تگه ابر کوچک در آن در حال حرکت بود.

**آرایه‌های ادبی:** ابر ساکت ← جان بخشی / آسمان به دریا تشبیه شده که ابر در آن شنا می‌کند.

صدای شبنم صبحگاهی را، هنگامی که سرزده به خانه‌ی برگ، وارد می‌شود؟

**معنی:** [آیا تو] به هنگام صبح، صدای شبنم را که بی‌خبر بر روی برگ گل‌ها و درختان می‌نشیند می‌شنوی؟

**آرایه‌های ادبی:** صدای شبنم ← جان بخشی / سرزده وارد شدن شبنم ← جان بخشی / سرزده ← کنایه از بی‌خبر، ناگهانی و غیرمنتظره

## واژه‌های مهم املایی

سرشار از شگفتی‌ها - پدیده‌هایی لطیف - عجیب - سادگی - می‌گذریم - تماشاگهی - ایستگاه‌ها - عالم - بیندیشم - مقایسه - دره‌هایی عمیق - گل و خار - طبیعت - تأمل - ویژگی - عادت - گوارایی - موضوع - علف - سنگلاخ - محکم - دعوت - هیس - محملی - حلقه - صدای حشره‌ها - تالاب - چطور - عنکبوت - قار می‌تنند - صبحگاهی

## واژه‌های مخالف

لطیف ≠ خشن / درنگ ≠ عجله / بلندترین ≠ کوتاه‌ترین / ساده ≠ دشوار / بهار ≠ زمستان  
 زیبا ≠ رشت / پاکی ≠ ناپاکی (پلیدی) / نرم ≠ زبر / نازک ≠ کلفت / کوتاه ≠ بلند / زمین ≠ آسمان  
 روشنایی ≠ تاریکی / گرما ≠ سرما

## هم خانواده‌ی واژه‌ها

لطیف ← لطف - الطاف - تلطیف

عجیب ← عجایب - تعجب - متعجب

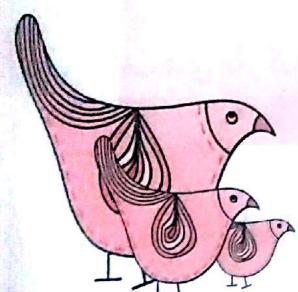
آفرینش ← آفریده - آفریننده - آفریدگار

عالَم ← عُلَمَا - معلم - تعلیم

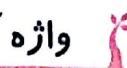
مقایسه ← قیاس - مقیاس

عمیق ← عُمَق - اعماق

توصیف ← وصف - اوصاف - موصوف



## واژه آموزی (مخالف یا متضاد)



به جمله‌های زیر، دقّت کنید.

(الف) او شب آمد و روز رفت.

(ب) در پاییز، شب‌ها بلند است، اما در تابستان، کوتاه.

در عبارت «الف»، دو واژه‌ی «شب» و «روز» با هم از نظر معنی، مخالف (متضاد) هستند.

در عبارت «ب»، دو واژه‌ی «بلند» و «کوتاه» با هم از نظر معنی، مخالف (متضاد) هستند.

### توجه



از معنی واژه‌ها، پی‌می‌بریم که این کلمه‌ها، با هم مفهوم مخالف یا متضاد، دارند. به این واژه‌ها،

متضاد، مخالف یا تضاد، می‌گویند.



فعال‌ها هم می‌توانند، تضاد زیبایی را به وجود بیاورند؛ مانند:

«گر بروید یا نروید، باغبان و رهگذاری نیست»

در این مثال دو فعل «بروید» (رویدن) و «نروید» (نرویدن) با هم مخالف هستند.

### بهتر یاد بگیریم

برای هر یک از واژه‌های زیر یک متضاد بنویسید.

بدان ← جمع ← بالا ← مهر ← دور ← جوان ←

پاسخ: بدان ← خوبان، نیکان / جمع ← پراکنده / مهر ← کینه

بالا ← پایین / دور ← نزدیک / جوان ← پیر

## حروف (نشانه‌های) ربط درس اول نوشتاری، بخش درک متن



**حروف ربط:** کلمه‌هایی هستند که به تنها بی، معنی کاملی ندارند؛ اما برای پیوند دادن دو جمله، به کار می‌روند؛ مانند:

به کتاب فروشی رفتم تا او را ببینم ← («تا» دو جمله را به هم، پیوند داده است.)

حروف (نشانه‌ها) ربط عبارت‌اند از: تا - اگر - اگرچه - زیرا - وقتی که - که - زمانی که - چون - سپس - بعد - چو - چون - اما -

ولی - با وجود این که - و ....

جاهای خالی عبارت زیر را با یکی از نشانه‌های ربط، کامل کنید.

..... می خواهیم عالم را بهتر بشناسیم، یک راه ساده آن است ..... پدیده‌ها را خوب تماشا کیم، درباره‌ی آفرینش هر یک بیندیشیم ..... آن‌ها را با یکدیگر مقایسه کنیم.»

**پاسخ:** به ترتیب، نشانه‌های «اگر - که - و» متن بالا را کامل می‌کند.

«چو» و «چون»، در صورتی نشانه‌های ربط هستند که به معنی «زمانی که»، «وقتی» و

«دگر» به کار بروند؛ مانند:

چو ایران نباشد تن من مباد ← «چو» به معنی «اگر» یا «زمانی که» ← حرف ربط است.

اگر «چو» و «چون» به معنی «مثل» و «مانند» به کار روند، حرف ربط نیستند، مانند:

چون شیر، شجاع باش ← «چون» به معنی «مانند» ← حرف ربط نیست.

نکته مهم

## بخوان و حفظ کن

رقص باد، خنده‌ی گل

شاعر: پروین دولت آبادی

قالب شعر: مثنوی

### معنی واژه‌ها به ترتیب بیت‌ها

تاک: درخت انگور، مو  
 برگ نو: برگ و جوانه‌ی تازه  
 شاخصاران: درختان انبوه و پرشاخ و برگ  
 کهن: قدیم، گذشته  
 گل بوته: بوته‌ی گل (بوته: گیاهی که بلند نباشد و به زمین، نزدیک باشد)  
 نغمه‌خوان: آواز خوان  
 باز: دوباره  
 آشیان: لانه، خانه

رفته‌رفته: آرام آرام  
 نارون: درختی برگ ریز که در همه جا پراکنده و از جمله درختان جنگلی نقاط معنده است.  
 رنگرنگ: دارای رنگ‌های مختلف  
 بیدبن: درخت بید (بن: بوته، ریشه، درخت) از هم گسیخت: از هم جدا شد. (گسیخت: پاره شد، جدا شد).  
 بستان: باع  
 دهقان: کشاورز، باغبان  
 کوتله: مخفف کوتاه

این شعر درباره‌ی تغییر فصل‌های است. شاعر در این شعر، فصل‌ها را به زیبایی به تصویر می‌کشد، بعد از تابستان، فصل پاییز با زرد شدن سبزه‌زاران و برگ‌های درختان فرا می‌رسد. بعد از پاییز فصل به خواب رفت، باع و بوستان است؛ یعنی فصل زمستان.

بار دیگر، چون بهاران می‌شود

فصل پاییز و زمستان می‌رود

دوباره بهار از راه می‌رسد و جهان و طبیعت خداوند بار دیگر زندگی و شادابی از سر می‌گیرد و شکوفه باران می‌شود.

### معنی بیت‌ها

باد سرد، آرام بر صحراء گذشت سبزه‌زاران، رفته‌رفته، زرد گشت

**معنی:** باد سردی، به آرامی، بر صحراء و زرد و گذشت. سبزه‌زاران هم، کم کم، زرد شد. (پاییز از راه، رسید).

**نکته دستوری:** باد سرد ← ترکیب وصفی (باد ← موصوف و سرد ← صفت)



بیت ۲:

**معنی:** [به خاطر رسیدن پاییز] برگ‌های تک درخت نارون، رنگارنگ شد و آن برگ‌های زیبایی درخت نارون که مانند چشم شاداب و زیبا بود، زرد شد.  
**آرایه‌ی ادبی:** درخت نارون به چتر تشییه شده است.

منظور از «چتر شاداب و قشنگ»، برگ‌های زیبایی درخت نارون است که به شکل یک چتر می‌باشد. (تشییه برگ‌ها و شاخه‌های نارون به چتر زیبا)

نکته

بیت ۳:

**برگ برگ گل به رقص باد، ریخت رشته‌های بیدن از هم گسیخت**  
**معنی:** بر اثر وزش باد، تمام برگ‌های گل، بر زمین ریخت و شاخه‌های نازک درخت بید، از هم جدا و قطع شد.  
**آرایه‌ی ادبی:** رقص (رقصیدن) باد ← جان‌بخشی (تشخیص)  
**نکته‌ی دستوری:** بیدن ← واژه‌ی مرکب است. (= بیدن ← بُن بید)



منظور از «رشته‌ها»، همان شاخه‌های نازک درخت بید است.

بیت ۴:

**چشم کم کم خشک شد، بی‌آب شد باع و بستان، ناگهان در خواب شد**  
**معنی:** چشم، کم کم، خشک شد و دیگر آب نداشت. باع و بستان، به یک باره، به خواب زمستانی رفتند.  
**آرایه‌های ادبی:** چشم و آب ← تناسب / باع و بستان ← تناسب / باع و بستان ← در خواب شد ← جان‌بخشی  
**منظور از «در خواب شد»، خواب زمستانی است.**

بیت ۵:

**کرد دهقان، دانه‌های زیر خاک کرد کوتاه، شاخه‌ی پیچان تاک**  
**معنی:** کشاورز، دانه‌ها را در دل خاک، کاشت و شاخه‌های بلند و پیچ در پیچ انگور را کوتاه کرد.

توجه

صراع دوم به هرس کردن اشاره دارد. (به کوتاه کردن شاخه‌های بلند درختان، هرس کردن می‌گویند.)

بیت ۶:

**فصل پاییز و زمستان می‌رود بار دیگر، چون بهاران می‌شود**  
**معنی:** وقتی که دوباره، بهار باید، فصل پاییز و زمستان به پایان می‌رسند.  
**نکته‌ی دستوری:** «ان» در بهاران، مفهوم زمان دارد: زمان بهار (باید با نشانه‌ی جمع، اشتباه شود.)

## بیت ۷: از زمینِ خشک، می‌روید گیاه چشمِ جوشد، آب می‌آفتد به راه

معنی: از زمینِ خشک و بی‌روح، دوباره، گیاه می‌روید و چشمِ می‌جوشد و پُر از آب می‌شود و آب بر روی زمین جاری می‌گردد.  
نکته‌ی دستوری: زمین خشک ← ترکیب وصفی / گیاه، چشمِ و آب ← نهاد / بیت از سه جمله تشکیل شده است.

## بیت ۸: برگِ نو و آرد، درخت نارون سبز‌گردد، شاخ‌سازان کهن

معنی: از درخت نارون، برگِ تازه می‌روید و شاخه‌های قدیمی (شاخه‌های خشک)، دوباره، جوانه می‌زند و سبز می‌شود.  
نکته‌ی دستوری: برگ نو و شاخ‌سازان کهن، ترکیب وصفی هستند.

## بیت ۹: گل بخندد، بر سر گل بوته‌ها پُر کند بوی خوش گل، باع را

معنی: بر سر بوته‌ها، گل می‌روید و شکوفا می‌شود و بوی این گل‌ها، تمام باع را پُر می‌کند.

آرایه‌ی ادبی: گل بخندد ← تشخیص

نکته‌ی دستوری: بیت از دو جمله تشکیل شده است. / گل ← نهاد / بوی خوش گل ← نهاد / باع ← مفعول



منظور از «خندیدن گل» شکوفا شدن آن است.

## بیت ۱۰: باز می‌آید پرستو، نغمه‌خوان باز می‌سازد در اینجا آشیان

معنی: دوباره، در فصل بهار، پرستو در حالی که آواز می‌خواند، برمی‌گردد و دوباره در اینجا، لانه‌اش را می‌سازد.

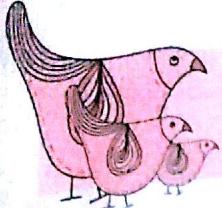
### واژه‌های مهم املایی

صحراء - سبزه‌زاران - چتر - رقص - بیدبُن - گسیخت - باع و بُستان - دهقان - تاک - برگ نُو - شاخ‌سازان کهن  
- گل بوته‌ها - نغمه‌خوان

### واژه‌های مخالف

سرد ≠ گرم / آرام ≠ نالارام / رفته‌رفته ≠ تُند و سریع / شاداب ≠ غمگین / خواب ≠ بیدار / پاییز ≠ بهار  
خشک ≠ خیس / نُو ≠ کهنه / کهن ≠ جدید / بخندد ≠ بگردید

## هم خانواده‌ی واژه‌ها



رقص ← رقصیدن - رقصند - رقصیدنی

فصل ← فصل



## خوانش و فهم



۱- در بیت: «گل بخندد بر سرِ گل بوته‌ها

**پاسخ:** شکوفا شدن و رویدن گل

۲- در بیت سوم، دو واژه‌ی «برگ برگ» چگونه خوانده می‌شود؟

**پاسخ:** به صورت «برگ برگ گل» خوانده می‌شود، یعنی «گ» و «گ»؛ اولی ساکن می‌شود، دومی «ـ» می‌گیرد.

## تاریخ ادبیات

**پروین دولت‌آبادی:** از شاعران و بنیانگذاران شورای کتاب کودک بودند. در سال ۱۳۰۳ در اصفهان متولد شدند و در ۲۷ فروردین ماه ۱۳۸۷ در تهران درگذشت. آثار وی عبارت‌اند از: گل بadam، شوراب، باز می‌آید پرستو نغمه‌خوان و ....

## قالب شعر



قالب شعر «رقص باد، خنده‌ی گل»، مثنوی است. درباره‌ی مثنوی در درس قبل توضیح دادیم. در اینجا قافیه‌ها و ردیف بیت‌ها را مشخص می‌کنیم.

**بیت اول:** گذشت و گشت ← قافیه (ردیف ندارد) / **بیت دوم:** زنگرنگ و قشنگ ← قافیه (ردیف ندارد).

**بیت سوم:** ریخت و گسیخت ← قافیه (ردیف ندارد) / **بیت چهارم:** آب و خواب ← قافیه (شد و شد ← ردیف)

**بیت پنجم:** خاک و تاک ← قافیه (ردیف ندارد) / **بیت ششم:** می‌رود و می‌شود ← قافیه (ردیف ندارد)

**بیت هفتم:** گیاه و راه ← قافیه (ردیف ندارد) / **بیت هشتم:** نارون و کهن ← قافیه (ردیف ندارد)

**بیت نهم:** گل بوته‌ها و را ← قافیه (ردیف ندارد) / **بیت دهم:** نغمه‌خوان و آشیان ← قافیه (ردیف ندارد)